رئیس هیات مدیره شبکه یاری کودکان کار در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»:

جمع‌آوری کودکان کار مخالف پروتکل‌های بین‌المللی است

فاطمه قاسم‌زاده: طرح جمع‌آوری با «کودک کار» مقابله می‌کند؛ نه با «کار کودک»

آسو محمدی

■ از «شبکه یاری کودکان کار» برای‌مان بگویید. این شبکه اوایل دهه ۸۰ شروع به کار کرد و...

- ایده شبکه یاری کودکان کار در سال ۸۲ شکل گرفت. سمیناری برگزار شد که هم سازمان‌های دولتی شرکت داشتند و هم سازمان‌های غیردولتی حاضر بودند. در پایان سمینار مطرح شد که انجمن‌های مربوط به کودکان کار با هم جمع شوند تا اقدامات بهتری را برای این کودکان انجام دهند. مدتی جلساتی برگزار شد و نام شبکه مطرح شد تا شبکه‌ای از انجمن‌هایی که با کودکان کار در خیابان در ارتباط هستند شکل بگیرد و این شبکه بهتر بتواند مسائل و مشکلات کودکان کار و کار در خیابان را برطرف کند.

سال‌ها بعد این اصطلاح به صورت کلی به کودکان کار تغییر کرد. چون کار کودک کلیتی است که براساس مکان و شرایط و موقعیت‌هایی که دارد نام مشخصی می‌گیرد. انجمن‌ها با هم همکاری کردند و این شبکه شکل گرفت. ولی در آن زمان در آیین‌نامه سازمان‌های غیردولتی ساختاری به نام شبکه نداشتیم واقعیت این است که هم خود ما در ارتباط با این مسائل اجتماعی اگر نگوییم خیلی عقبیم، ولی می‌توان گفت در جایگاه مناسبی قرار نداریم؛ ولی بیشتر از ما برای سازمان‌های دولتی که مسئولیت مجوزها و سازماندهی سازمان‌های غیردولتی را برعهده دارند، نیز ساختاری به نام شبکه مشخص نبود. در نتیجه وقتی تصمیم به شکل‌گیری شبکه گرفتیم، به ما گفته شد نمی‌توانیم مجوز بدهیم. اما چون اعضای ما و انجمن‌های دیگر در آن زمان مجوز داشتند (از بهزیستی، نیروی انتظامی و وزارت کشور و...) با موافقت سازمان‌های مسئول کار خود را شروع کردیم. حتی گفته شد می‌توانیم خبرنامه داشته باشیم که بتوانیم اخبار و اطلاعات را منعکس کنیم.

به این ترتیب شبکه تا سال ۸۵ کار خود را ادامه داد. در این سال با کمک سازمان‌های دولتی مربوط و چند نماینده از سازمان‌های غیردولتی آیین‌نامه‌ای کلی ترسیم و در بخشی از آن به مجوز شبکه و قواعد آن اشاره شد. شبکه، مدارک خود را ارائه داد و تقریبا در حال آماده‌سازی بود که با جریانات سال ۸۸ روبرو شد و بعدها وقتی دنبال کار را گرفتیم و به وزارت کشور رفتیم به ما گفته شد: چه آیین‌نامه‌ای؟ چه شبکه‌ای؟ البته نمی‌خواهم از افراد نام ببرم. اما مجوز ما آماده بود. با این حال چون آیین‌نامه‌ای که در آن زمان نوشته شده بود، موردقبول نبود؛ مجوز ما نیز پذیرفته نشد. اما به ما گفتند شما می‌توانید به فعالیت خود ادامه بدهید، چون انجمن‌های شما مجوز دارند و فقط کافی است نامه‌ای بنویسید و بگویید ما این وضعیت را داریم و به فعالیت خود ادامه بدهید. حدود سه سال پیش آیین‌نامه‌ای از طرف وزارت کشور داده شد مبنی بر اینکه شبکه‌ها چگونه مجوز بگیرند. مطابق با آن آیین‌نامه انجمن‌های واجد شرایط معرفی شدند. گفته شده بود که انجمن‌ها حتما باید از وزارت کشور مجوز داشته باشند و برای مجوز پنج انجمن معرفی شوند. ما به جای پنج انجمن هفت انجمن معرفی کردیم تا اگر انجمنی با شرایط وزارت کشور مطابقت نداشت جایگزین داشته باشد و مجبور نباشیم این پروسه را از اول شروع کنیم؛ ولی هنوز هیچ جواب مثبت یا منفی به ما داده نشده است.

ما می‌گوییم شبکه یاری وجود دارد و سال‌ها فعالیت کرده است. نمی‌توان بدون هیچ منطق و دلیلی این موجودیت را از بین برد. وزارت کشور هنوز در مورد مجوز شبکه یاری کودکان کار پاسخ مثبت یا منفی نداده و ما ۱۶ سال است برای گرفتن مجوز پشت در وزارت کشور ایستاده‌ایم

■ در این مجموعه چند انجمن دارید؟

۳۹ انجمن داریم که عضویت شبکه را دارند. بیشتر آنها در تهران هستند و تعدادی در شهرستان‌ها قرار دارند و در ارتباط با کودکان کار فعالیت می‌کنند.

■ در طول این سال‌ها مهم‌ترین فعالیت‌های شبکه یاری چه بوده است؟

فعالیت‌هایی که ما انجام دادیم عمدتا براساس عملکرد و مفهومی است که شبکه دارد. ما عقیده داریم انجمن‌ها مستقل هستند و فعالیت‌های شبکه جنبه کلی‌تری دارد. به‌طور مثال ما مشکلی در مورد کودکان کاری که مدرسه نمی‌روند، داریم. بچه‌هایی که در مراکز حمایتی کار می‌کنند و آن مساله کتاب است ضمن اینکه تهیه هزینه کتاب برای این کودکان مشکل است ولی آموزش و پرورش تعداد این کودکان را حساب نکرده است تا حداقل برای این کودکان کتاب چاپ کند تا انجمن‌ها و یا هر مرجع دیگری این کتاب‌ها را خریداری کنند. چون ما می‌خواهیم کودکانی که در مراکز حمایتی درس می‌خوانند مدرک بگیرند تا در تغییر شرایط زندگی و تغییر شرایط کار آنها موثر باشد؛ کتاب‌های آموزش و پرورش به عنوان معیار رسمی در نظر گرفته شده است. یکی از فعالیت‌های شبکه تهیه کتاب برای کودکان کار بوده است.

از طرف دیگر شهرداری‌ها قانونی دارند و براساس آن موظف به دادن سخت‌افزار ازجمله مکان برای سازمان‌های غیردولتی هستند. بسیاری از سازمان‌های غیردولتی این را نمی‌دانستند و این مورد وقتی مشخص شد بسیار کمک‌کننده بود. چون هزینه زیادی صرف اجاره مکان کار با بچه‌ها می‌شد. یک سری توافق ما بر برنامه‌هایی بود که فعالیت گروهی محسوب می‌شد. برای مثال وقتی در مورد ثبت‌نام بچه‌ها در آموزش و پرورش مشکلی وجود داشت این موارد جمع‌آوری می‌شد و به طور شبکه‌ای اعتراض صورت می‌گرفت. چون یکی از اهداف شبکه مطالبه‌گری در سطحی وسیع‌تر است. وقتی مطالبه توسط یک انجمن مطرح شود، چندان رسیدگی نمی‌شود، ولی وقتی مطالبه توسط یک شبکه با ۳۹ عضو مطرح می‌شود به طور طبیعی از پشتوانه بیشتری برخوردار است. یکی از مشخصات شبکه هم‌افزایی است که قدرت را بیشتر می‌کند و ما می‌توانیم مطالبات خود را در قالب شبکه مطرح کنیم تا امکان دسترسی برای ما بیشتر باشد. یا در ارتباط با دیگر مشکلات از جمله آموزش رایگان چون در قانون اساسی گفته شده است آموزش رایگان برای همه وجود دارد ولی در عمل حتی برای کودکان کار نیز آموزش رایگان وجود ندارد. عده‌ای از خانواده‌های این کودکان در حدی نیستند که برای ثبت‌نام پیش‌قدم شوند و مددکار باید آنها را ثبت‌نام کند و گفته می‌شد چون شما از نظر حمایتی جایگزین خانواده هستید باید مشارکت‌های مردمی را بپردازید. حتی برای ثبت‌نام بچه‌های کار درخواست مشارکت‌های مردمی می‌شد. در حالی که مشارکت مردمی شامل بچه‌های کار نمی‌شود البته دو سال است که این مسئله حذف شده است ولی تا پیش از آن در محاسبات ما چیزی نزدیک به ۳۰ تا ۴۰ میلیون توسط مدارس تحت‌عنوان مشارکت مردمی در زمان ثبت‌نام از انجمن‌ها اخذ می‌شد. وقتی این موارد به صورت کلی مطرح، مطالبه و پیگیری می‌شد بهتر جواب گرفته می‌شد. انجمن‌ها با هم تفاوت‌هایی دارند برخی قوی‌تر هستند و فعالیت‌های پژوهشی دارند؛ بعضی بیشتر حمایت از کودکان را به عهده دارند و در انجام فعالیت‌های خود این آزادی عمل را دارند.

■ راه پرفرازونشیبی تا امروز طی شده است. در این ۱۶ سال با چه موانعی روبرو بودید؟

یک سری از موانع بیرونی بود. برای مثال در ارتباط با مجوز اعضا همچنان این مشکل را داریم. یعنی پروسه گرفتن مجوز به طور متوسط حداقل سه سال طول می‌کشد. در مورد شبکه حدود سه سال است که جوابی نگرفته‌ایم ولی در مورد انجمن‌ها حدودا سه سال برای گرفتن مجوز زمان می‌برد. البته سازمان‌های غیردولتی که در مورد اعتیاد یا ایدز کار می‌کنند سریع‌تر مجوز می‌گیرند ولی انجمن‌هایی مثل ما در پروسه زمان‌بری مجوز می‌گیرند. ما به انجمن‌ها گفته‌ایم؛ انجمنی که نامه می‌دهد، ما تاریخ تحویل نامه و درخواست به بهزیستی یا وزارت کشور و یا نیروی انتظامی یا هر جای دیگری را معیار قرار می‌دهیم و آن را به صورت غیررسمی عضو می‌کنیم تا زمانی که مجوز اخذ شود. فعلا ایرادی نگرفته‌اند و پذیرفته‌اند. ما هیچ دلیل منطقی و موجهی برای طولانی بودن این بازه زمانی اخذ مجوز، پیدا نکرده‌ایم. در کشورهای دیگر به محض معرفی انجمن مجوز داده می‌شود و حتی زمانی برای تحقیق و بررسی در نظر گرفته نمی‌شود. ما متوجه نشده‌ایم که چرا روند اخذ مجوز باید اینقدر طولانی باشد. ما در مورد فعالیت‌هایی که در شبکه انجام می‌شود جلساتی عمومی داریم و نشست‌های مشترک برگزار می‌شود. همچنین نشریه‌ای برای انتشار و انعکاس اخبار انجمن داریم و فعالیت‌هایی که انجمن‌ها به صورت مستقل دارند.

مشکلی که داریم مشکل جدیدی نیست. گفته می‌شود شبکه مجوز ندارد و ما هم می‌گوییم بله و از ابتدا به همین دلیل درخواست مجوز کرده‌ایم و این را طوری مطرح می‌کنند تا شبکه فعالیتی نداشته باشد. چون فعالیت شبکه با فعالیت انجمن فرق دارد. ما همراه با اعضای هیات مدیره شبکه مجوز انجمنی را از بهزیستی گرفتیم که به نوعی پشتوانه قانونی این شبکه باشد. مجوز این انجمن شبکه‌ای نبود ولی شبکه بخشی از فعالیت‌های خود را به طور قانونی با آن انجمن انجام می‌داد تا فعالیت‌ها از نظر قانونی مشکل نداشته باشد. اخیرا گفتند آن انجمن باید مستقل باشد و آرم شبکه را بردارید و شبکه دیگر نمی‌تواند از نام این انجمن استفاده کند. نظر ما این نیست. ما می‌گوییم شبکه وجود دارد و سال‌ها فعالیت کرده است. نمی‌توان بدون هیچ منطق و دلیلی این موجودیت را از بین برد. ما تصمیم گرفتیم از این به بعد به جای هیات مدیره شبکه هیات موسس بگوییم. ما موسس هستیم ولی موسسی که ۱۶ سال برای گرفتن مجوز پشت در وزارت کشور توقف کرده است. وزارت کشور برای مجوز شبکه آیین‌نامه نداشت. از سه سال گذشته آیین‌نامه شبکه‌ها را تدوین کرد. در سه سال گذشته آیین‌نامه شبکه جدا از آیین‌نامه سازمان‌های غیردولتی نوشته شد. به سرعت به چند شبکه مربوط به اعتیاد و بهداشت و ایدز مجوز داده شد. اما در مورد شبکه یاری کودکان کار هنوز پاسخی مثبت یا منفی برای مجوز داده نشده است. وقتی شبکه‌ای وجود دارد نمی‌توان آن را نفی کرد. ما می‌گوییم هیات موسس شبکه هستیم و این از نظر قانونی اشکالی ندارد. به غیر از این مسائل بیرونی، شبکه همچون هر ساختار دیگری مشکلاتی درونی دارد اختلاف نظر بین اعضا که از مسائلی طبیعی است و با بحث و گفتگو قابل حل است.

■ پدیده کودکان کار و خیابان مسئله ایران نیست و بعدی جهانی دارد و اکثر کلانشهرهای جهان با آن درگیر هستند. شما چه نگاهی به این پدیده دارید؟

در کشور ما و در سایر کشورها بخشی از کودکان در حوزه کشاورزی، معادن و کارگاه‌های زیرزمینی و جاده‌ها و... کار می‌کنند و فقط بخشی از این کودکان در خیابان کار می‌کنند. در ایران به دلیل پاک کردن چهره شهر همواره حوزه مورد بحث کودکان کار در خیابان بود و گرنه کار در کارگاه‌های زیرزمینی در بسیاری از مناطق دیگر به مراتب از کار در خیابان آسیب‌رسان‌تر است و مشکلات بیشتری برای کودکان پدید می‌آورد. این پدیده به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی هر جامعه‌ای برمی‌گردد معمولا در حوزه آسیب‌های اجتماعی تنها یک دلیل نداریم. در ارتباط با کار کودکان دلیلی که بسیار موثرتر است فقر است. فقر باعث می‌شود این کودکان روند طبیعی زندگی خود و کودکی خود را نداشته باشند و از سنین پایین وارد چرخه کار شوند. به طور طبیعی فقر اقتصادی معمولا فقر فرهنگی نیز ایجاد می‌کند و درصدی از کودکان کار فرزندان خانواده‌های بدسرپرست هستند.

در ساختار کشور ما مرجعی مستقل و ملی که به هیچ سازمان دولتی وابسته نباشد وجود ندارد که پاسدار حقوق کودک و ملزم باشد اگر مشکلی در ارتباط با عدم تحقق حقوق کودک پیش می‌آید، رسیدگی کند

در پرونده‌های کودکان دیده‌ام که به طور مثال یک نوجوان ۱۴ ساله، ۱۰ بار جمع‌آوری شده است. وقتی روشی به این روشنی عدم کارآیی خود را نشان می‌دهد چرا باید مجددا تکرار شود؟

آمار دقیقی در اختیار نداریم، ولی بر اساس آمار انجمن‌های عضو در شبکه، حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد از خانواده‌ها به این صورت هستند و علت اصلی فقر نیست و غفلت و یا ناآگاهی والدین باعث می‌شود. فرزندان این خانواده‌ها کار کنند و والدین مسئولیتی نپذیرند. در سایر کشورها نیز به همین صورت است. در بیشتر کشورهای جهان برنامه‌های کاهش فقر یکی از طرح‌هایی است که برای کمک به مسئله کودکان کار انجام می‌شود. ولی ما نمی‌توانیم فقر را به‌طور کامل از بین ببریم تا زمانی که ساختارهای استثمارگرانه و سرمایه‌داری در انواع مختلف وجود دارد، فقر نیز با شدت‌وضعف متفاوتی وجود خواهد داشت. کشورهای اروپایی برای حفظ این نظام امتیازاتی به مردم دادند و دولت‌های رفاه را تشکیل دادند. این دولت‌ها به کاستن از وضعیت نامطلوب کمک کردند و ما در آن کشورها به تعداد کمتری پدیده کودکان کار را داریم و تعداد این کودکان در کشورهایی که این وضعیت را ایجاد نکرده‌اند بیشتر است. در کشورهای در حال توسعه به دلیل وابستگی‌هایی که وجود دارد و این مسئله را تشدید می‌کند؛ مشکل شدت دارد. به همین علت توصیه می‌شود در این کشورها برنامه‌های کاهش فقر با همکاری سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان بین‌المللی کار و یونیسف در برنامه‌های کلان هر کشور در نظر گرفته شود.

ما شش برنامه توسعه داریم و برای اولین بار در ششمین برنامه مطرح شد تا برنامه‌هایی اجرا شود که آمار کودکان کار ۲۵ درصد کاهش داده شود. این تصمیمی خوب بود ولی باید برای اجرای آن روش‌های مناسبی اتخاذ کرد. به‌دنبال آن شورای اجتماعی کشور شکل گرفت و شش آسیب مشخص شد تا در شورا در ارتباط با آنها برنامه‌ریزی و کار شود یکی از این آسیب‌ها کودکان کار در خیابان بود که باز شامل همه کودکان کار نمی‌شود و فقط جزئی از آنها را و نه همه آنها را می‌بینند. چون ساختار این شورا به شکلی بود که نمایندگان سطوح بالای دولتی حضور داشتند و قرار بود از بخش دانشگاهی برای تدوین طرح‌ها استفاده شود. انتظار داشتیم در این شورا تصمیمات مهم‌تر و مناسب‌تری گرفته شود، ولی عملا در طرحی که امسال مطرح شد گفته شد می‌خواهیم کودکان کار را جمع کنیم و مشکلات آنها را بشناسیم و آن‌ها را برطرف کنیم. ولی در نهایت جمع‌آوری مثل طرح‌های قبلی بود. البته شورای اجتماعی کشور فعالیت‌هایی انجام داده و برای هر کدام از این آسیب‌ها با همکاری سازمان‌های غیردولتی و دانشگاه‌ها طرح جامع پیشگیری و کاهش آن آسیب را تدوین کرده است، ولی مشخص نیست کی می‌خواهند آن را اجرا کنند.

■ طرح جمع‌آوری از سال ۸۴ آغاز شد و تا امروز همچنان با کمی و کاستی اجرا می‌شود. بیش از ۳۰ بار این طرح اجرا شده و به شکست انجامیده است اصرار بر این طرح‌ها ناشی از چیست؟ آخرین مورد همین ماجرای مرکز یاسر است. در مرکز یاسر حتی این بچه‌ها گاهی اجازه رفتن به حیاط را ندارند و از پشت پنجره پیاده‌روها را تماشا می‌کنند. دلیل اجرای این سیاست‌ها چیست؟! چطور می‌توان یک عده کودک را در محلی جمع کرد و هنجارهای یک زندان را در مورد آنها اجرا کرد؟

این سوالات برای ما نیز وجود دارد قبلا تفاوتی وجود داشت و بعد از جمع‌آوری خانواده‌ها می‌آمدند و با تعهدی فرزندان خود را تحویل می‌گرفتند. بخشی از خانواده‌ها در شهرستان‌ها بودند و بچه‌ها به شهرستان فرستاده می‌شدند اگر در جمع‌آوری کودکانی ایرانی نبودند و یا کودکانی ایرانی هیچ‌کسی را نداشتند در مراکز نگهداری می‌شدند ولی همین موارد نیز وضعیت مطلوبی نداشتند. امسال نگهداری طولانی‌تر بود و گفته شد می‌خواهیم به‌طور جدی در مورد آنها تحقیق کنیم. بیشتر این بچه‌ها افغانستانی بودند و درصدی ایرانی در بین آنها بود. آنها این جمع‌آوری را «مبتنی بر پژوهش» نام نهاده‌اند. امسال رد مرز بچه‌ها کاری بود که جدیدا اضافه شد. بچه‌هایی که از افغانستان آمده بودند و خانواده‌ای در ایران نداشتند به این ترتیب رد مرز شدند. در ارتباط با این طرح جمع‌آوری، شبکه مخالفت کرد و کمپینی به راه انداخت. بسیار استقبال شد و حدود ۴۰۰۰ امضا جمع شد و ۲۵ سازمان غیردولتی آن را امضا کردند.

■ در مورد رد مرز کردن توضیح می‌دهید؟

رد مرز درباره کودکانی که اوراق قانونی ندارند، اجرا می‌شود. بر اساس پروتکل‌های بین‌المللی نمی‌توان این بچه‌ها را رد مرز کرد چون کودک هستند. اگر کشوری بخواهد افرادی با اوراق قانونی را نپذیرد در آن سوی مرز کمپ ایجاد می‌کند، ولی کاری که با دستگیری این کودکان در مرکز یاسر و مرکز بعثت انجام شد در حقیقت باید در آن سوی مرز انجام می‌شد و وارد کشور نمی‌شدند. ما در مورد کودکان ماده‌ای قانونی داریم وقتی کودکی وارد کشوری می‌شود آن کشور موظف به رعایت حقوق آن کودک است و باید از نظر تغذیه، آموزش و بهداشت به آنها رسیدگی شود. این رفتار مخالف با پروتکل‌های بین‌المللی است و اگر ایران نخواهد مهاجرپذیری داشته باشد باید در آن سوی مرز تکلیف این بچه‌ها را روشن می‌کردند و اجازه ورود به آنها نمی‌دادند. این بچه‌ها با ۵۰۰ هزار تومان وارد ایران شده‌اند و این رقم امروز به سه میلیون تومان رسیده است. این قاچاق در کجاست؟! سوال این است. باید از این مسئله جلوگیری کرد تا کسی به این ترتیب وارد کشور نشود.

این بچه‌ها تا ون و ماشین شهرداری و مامورین را می‌بینند فرار می‌کنند و در این تعقیب و گریز خشونت اتفاق می‌افتد و کودک آسیب می‌بیند. واقعیت این است که اگر بخواهیم قانونی رفتار کنیم هر ایرانی موظف است از بهزیستی و یا هر سازمان متولی دیگری شکایت کند

مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک زیر نظر وزارت دادگستری قرار دارد. در ساختار کشور ما مرجعی مستقل و ملی که به هیچ سازمان دولتی وابسته نباشد وجود ندارد که پاسدار حقوق کودک باشد و ملزم باشد اگر مشکلی در ارتباط با عدم تحقق حقوق کودک پیش می‌آید رسیدگی کند. این مرجع گروهی برای بازدید از مراکز کودکان دستگیر شده تشکیل داد البته تا آنها برای بازدید بروند اتفاقات ناگواری برای کودکان رخ داده بود. من در جمع‌آوری‌های قبلی به مرکز شهدای انقلاب، مرکز یاسر و بعثت رفته بودم. اینها قرنطینه‌هایی هستند که بهزیستی برای نگهداری از کودکانی که خانواده‌ای ندارند و برای رسیدگی به وضعیت آنها ایجاد کرده است و به گفته مددکاران آن مراکز این بچه‌ها هفته‌ای دو روز هواخوری دارند و در حقیقت زندانی هستند. این رفتار فقط به‌خاطر این است که به آنها سخت گرفته شود و بدانند که کار کردن در ایران به این راحتی‌ها نیست.

حقیقت این است که آنجا به کودکان سخت گرفته شده است. آنجا کودکان وسایل بازی و سرگرمی ندارند و فقط تلویزیون دارند. جا برای تعداد بچه‌ها متناسب نبود. این کودکان چقدر تحت فشار بوده‌اند و چه بر سر آنها گذشته است؟ کودکی که بیش از یک ماه این فشار را تحمل می‌کند چگونه می‌تواند مورد شناسایی قرار گیرد؟ آیا آنچه این کودک بگوید، واقعیت دارد؟! این رفتار خود مصداق کودک‌آزاری است. ما بارها گفته‌ایم که شبکه و سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در مورد سازمان‌های مربوطه و بهزیستی اعلام جرم کنند. در آیین‌نامه حمایت از کودکان کودک‌آزاری جرمی عمومی ذکر شده است. هر فردی که می‌بیند کودکی مورد آزار قرار گرفته است موظف است گزارش دهد. اگر این کار را انجام ندهد خود مرتکب جرم شده است. ما به‌طور آشکار می‌بینیم در این موضوع کودک‌آزاری رخ می‌دهد. این بچه‌ها تا ون و ماشین شهرداری و مامورین را می‌بینند فرار می‌کنند و در این تعقیب و گریز خشونت اتفاق می‌افتد و کودک آسیب می‌بیند. واقعیت این است که اگر بخواهیم قانونی رفتار کنیم هر ایرانی موظف است از بهزیستی و یا هر سازمان متولی دیگری شکایت کند.

■ ماجرای همکاری یکی از انجمن‌ها با این طرح جمع‌آوری کودکان کار چیست؟

انجمن حامی یکی از اعضای شبکه یاری کودکان کار بود و عمدتا با مهاجرین کار می‌کرد. وقتی اعلام شد که در این برنامه مشارکت دارند با آنها تماس گرفته شد و گفته شد این کار بر خلاف مصلحت کودک و اهداف شبکه است و نباید این کار انجام شود که گفتند در قسمت پژوهش کار می‌کنند و با دستگیری کودکان کاری ندارند. شبکه برای اعضای خود حق استقلال قائل است و ایشان استعفا کردند و همزمان به صورت کتبی به آنها ابلاغ کردیم که دیگر نمی‌توانند عضو شبکه باشند. چون کار آنها بر خلاف اهداف شبکه بود. ما عقیده داریم نباید هیچ‌گونه آزار و اذیت کودکان حمایت کرد. این انجمن در بخش پژوهش این طرح فعال بود و یک کلینیک مددکاری جمع‌آوری این کودکان را برعهده گرفت. انجمن مددکاری باید در این رابطه واکنش نشان می‌داد که اینطور نبود کار او بیشتر با آزار کودکان در ارتباط بود چون در جمع‌آوری دخالت داشت.

در ایران به دلیل پاک کردن چهره شهر همواره حوزه مورد بحث کودکان کار در خیابان بود و گرنه کار در کارگاه‌های زیرزمینی در بسیاری از مناطق دیگر به مراتب از کار در خیابان آسیب‌رسان‌تر است و مشکلات بیشتری برای کودکان پدید می‌آورد

■ این فشارها و آزار و اذیت کردن در این وضعیت چه پیامدهایی برای کودکان دارد؟

این مراکز برای نگهداری طولانی مدت کودکان نیستند. تعدادی از بچه‌ها که خانواده‌ای ندارند پذیرفته‌اند در این مراکز زندگی کنند. آنها زیر پوشش بهزیستی هستند، به مدرسه می‌روند و سر کار می‌روند. تعداد کمی از بچه‌ها در این مراکز هستند که وضعیتی متفاوت دارند. آنها از طریق جمع‌آوری وارد مراکز نشده‌اند و معرفی شده و یا جایی برای رفتن نداشتند اما بچه‌هایی که جمع‌آوری می‌شوند در تعداد زیادی در سالن نگهداری می‌شوند و در معرض انواع خطرات قرار دارند. آنها اضطراب دارند. دو سال پیش یک پسر ۱۲ ساله در مرکز یاسر به من می‌گفت: «من برای خودم ناراحت نیستم. من یک مادر و خواهر دارم که ناتوان هستند و نگران آنها هستم.» در پرونده‌های آنها دیده‌ام که به طور مثال یک نوجوان ۱۴ ساله، ۱۰ بار جمع‌آوری شده است. وقتی روشی به این روشنی عدم کارآیی خود را نشان می‌دهد چرا باید مجددا تکرار شود؟ هزینه دقیق این طرح‌ها هرگز اعلام نمی‌شود ولی اگر به جای این هزینه‌ها کارگاه‌هایی احداث می‌شد و پدر و مادر و اعضای خانواده بیکار آنها مشغول کار می‌شدند، تعداد کودکان کار کم می‌شد. اگر بخواهیم این بچه‌ها وارد خیابان‌ها نشوند باید برای درآمد آنها جایگزینی پیدا کنیم. بهترین جایگزین توانمند کردن خانواده‌هاست.

■ بسیاری از مردم نمی‌دانند به این کودکان باید کمک کرد یا نه شیوه درست برخورد با این کودکان چیست؟!

ما هم موافق حضور کودک در خیابان نیستیم، ولی نمی‌توان این مسئله را با جمع‌آوری حل کرد. چندین گروه مرتبا جمع‌آوری می‌شوند. متکدیان، کودکان کار و خیابان، اراذل و اوباش، بدحجابان، معتادان و... ولی جمع‌آوری راه حل نیست. برای این آسیب‌ها شورای اجتماعی کشور تشکیل شده که ریاست‌جمهوری رئیس شورا است و روسای سازمان‌های دولتی آنجا حضور دارند و هر ۱۵ روز یکبار جلسه دارند. پس باید کاری درست‌تر انجام شود. اما در مورد رفتار مردم باید کرامت انسانی این کودکان رعایت شود کسی حق ندارد به این کودکان توهین کند و با آنها دعوا کند و با حالتی منفی به آنها نگاه کند. خرید یا عدم خرید از آنها به رویکرد مردم بستگی دارد. برخی از مردم به ما گفته‌اند اجناس آنها به دلیل حضور مستمر در خیابان آلوده است. عده‌ای خرید را علت تشویق می‌دانستند و علت اصلی را که فقر است نمی‌دیدند. نمی‌توان با یک راه‌حل گفت خرید کنید یا نه وضعیت مثل وضعیت دستفروش‌ها است عده‌ای بیشتر از دستفروش‌ها خرید می‌کنند و عده‌ای از دستفروش‌ها خرید نمی‌کنند. نباید به آنها گفت: «افغانی‌ها به کشور خودتان بروید.» حداقل انتظار ما از مردم رعایت احترام به آنها است. برخورداری از کرامت انسانی حق هر انسانی بخصوص کودکان است.

■ شبکه یاری چه پیشنهاد اثرگذار و کارشناسانه‌ای برای حل این موضوع دارد؟

ما با طرح تدوین شده توسط شورای اجتماعی کشور در رابطه با کاهش کار کودک موافق هستیم. من یکی از افرادی بودم که از طرف سازمان‌های غیردولتی دعوت شده بودم و جلساتی طولانی در این رابطه برگزار شد. این طرح نگاهی عمیق به مسئله کار کودک دارد و عمده دلایل را فقر و سوءمدیریت می‌داند. اجرای این طرح یکی از خواسته‌های ماست.

مسئله دیگر این است که در برنامه‌های توسعه کلان کشور کاهش فقر دیده نشده است. از برزیل به عنوان کشوری مثل خودمان مثال می‌زنم. آنها نیز از این سه رویکرد گذشته‌اند. ابتدا رویکرد آنها انکار بود. چندین سال پیش گروهی از فعالان کودکان کار مقابل سازمان بهزیستی جمع شدند. رئیس سازمان بهزیستی آن زمان ایستاد تا برای این افراد سخنرانی کوتاهی بکند شاید حدود ۳۰ نفر بودند و جمعیتی از ایرانیان ایستاده بودند. ایشان گفت خوشبختانه در ایران تعداد کودکان کار از تعداد انگشتان دست من تجاوز نمی‌کند؟! اخندهای شروع شد و گفته شد یا ایشان مشکلی در انگشتان دستشان دارند یا حساب بلد نیستند. این حرف تا مدت‌ها ورد زبان همه بود. ابتدا رویکرد انکار است و بعد از مدتی که نمی‌توان انکار کرد رویکرد مقابله در پیش گرفته می‌شود. متاسفانه ما هنوز در مرحله مقابله هستیم و این مقابله نه با کار کودک بلکه با کودک کار است. ما به جای حل مسئله کار کودکان روی خود کودکان تمرکز کرده‌ایم.

ما هم موافق حضور کودک در خیابان نیستیم، ولی نمی‌توان این مسئله را با جمع‌آوری حل کرد. در مورد رفتار مردم باید کرامت انسانی این کودکان رعایت شود کسی حق ندارد به این کودکان توهین کند و با آنها دعوا کند و با حالتی منفی به آنها نگاه کند

رویکرد سوم حمایتی است. رویکرد حمایتی در برنامه‌های کلان پیش‌بینی‌هایی دارد. فقر به یکباره ریشه‌کن نمی‌شود. در برزیل در برنامه توسعه کلی ۹ میلیون خانواده از فقیرترین اقشار انتخاب شدند که حدود ۹۶ میلیون جمعیت بودند. چیزی در حد یک چهارم جمعیت این کشور و هر سال سه میلیارد دلار بودجه در برنامه خود قرار داد. برای انتخاب فقیرترین خانواده‌ها روش محله محور را برگزید. یعنی خود مردم محل نمایندگانی انتخاب می‌کنند و خانواده‌هایی را معرفی می‌کنند و استثنا قائل نمی‌شوند. هم آموزش و بهداشت رایگان داده می‌شود و هم به‌طور سالانه مشوقی مالی در اختیار مادر خانواده قرار داده می‌شود. مادرها بهتر می‌توانند کمک کنند. چون پدران درگیر اعتیاد و مواد و کار و... هستند.

برزیل از کمک سازمان بین‌المللی کار و کمک یونیسف و کمک بانک بین‌المللی برخوردار است. ما ارتباط خود را با همه دنیا قطع کرده‌ایم و خودمان نیز برنامه‌هایی که کارآیی داشته باشد طراحی نمی‌کنیم. امروز انجمن‌های شبکه یاری در تهران و کرج و شهر ری حدود ۱۲ هزار کودک کار را زیر پوشش دارند و حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد کاهش کار داشته‌اند. این بچه‌ها نصف روز کار می‌کنند و نصف روز به مدرسه می‌روند. این کودکان به طور متوسط دو میلیون در آمد ماهانه دارند و ما این مبلغ را نداریم تا در اختیار خانواده آنها قرار بدهیم تا این کودکان کار نکنند ما مشوق‌هایی برای کاهش کار کودک را داریم. اما فقط در ۵ تا ۶ درصد توانسته‌ایم کودک را از چرخه کار رها کنیم.

برنامه‌هایی که در برزیل انجام می‌شود خانواده را توانمند می‌کند. ما در ۵ یا ۶ درصدی که توانستیم کودک را از چرخه کار رها کنیم مادر و یا خواهر بزرگ خانواده را توانمند کردیم.

ما اساس را بر توانمندی خانواده گذاشته‌ایم بچه‌ها قربانی و بزه‌دیده هستند و نباید فشاری بر آنها وارد کرد. ولی ما در خیابان و در هر جایی مجددا فشار را بر بچه‌ها وارد کرده‌ایم. اگر از سال‌ها پیش هر سال درصد کمی از این خانواده‌های فقیر را نجات می‌دادیم، بسیاری از کودکان کار و آسیب‌های اجتماعی کاهش پیدا می‌کردند. خانواده‌ای که کار و درآمد دارد کمتر به طرف اعتیاد می‌رود و جامعه سلامت خواهد بود.

■ عوامل مؤثر در گسترش روزافزون «کودکان کار در خیابان» کدامند؟

با توجه به ماهیت پدیده کودکان کار در خیابان، عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند. اصولاً در ارتباط با پدیده‌های انسانی که دارای ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فردی است، یک عامل تأثیرگذار نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از عوامل مؤثر است که گاه یکی از آنها می‌تواند اثرگذارتر باشد.

با توجه به این اصل ایجاد و گسترش کودکان کار در خیابان، حاصل عوامل زیر است:

- عوامل اقتصادی شامل بیکاری، کم‌کاری، کارهای فصلی و موقت، درآمد کم، گرانی، تورم و آنچه که ناشی از فقر و کمبود رفاه اقتصادی برای یک زندگی شایسته در هر جامعه است.
- عوامل اجتماعی مانند مهاجرت، بحران‌های اجتماعی، اعتیاد، ناهنجاری‌های اجتماعی، الگوهای اجتماعی نامناسب و در مجموع افزایش آسیب‌های اجتماعی است.
- عوامل فرهنگی شامل ناآگاهی در حوزه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، تبعیض در همه اشکال آن، نابرابری‌های اجتماعی در استفاده از امکانات فرهنگی، آموزشی و اوقات فراغت.
- عوامل خانوادگی از جمله طلاق، گسستگی و تنش در خانواده، تعداد فرزندان، بی‌سرپرستی، بدسرپرستی، تک والدی به ویژه اگر با فقر اقتصادی همراه باشد.
- عوامل فردی که در ارتباط و اثربخشی عوامل بالا قرار دارد و به توانایی فرد برای مقابله با مشکلات، تاب‌آوری، آگاهی از شیوه‌های حل مسأله، وجود مشکلات جسمی، روانی و سایر عوامل مؤثر، بستگی دارد.

در هر کشور میزان تأثیرگذاری این عوامل در پدیده کودکان کار در خیابان متفاوت است. در کشور ما، بررسی‌های انجام شده که معمولاً پراکنده است نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی، اثرگذاری بیشتری دارند. در واقع پدیده کار کودکان در خیابان یا مکان‌های دیگر به علت فقر خانواده و ناشی از نیاز خانواده به کار کودک است و گسترش آن نیز بیشتر تابع همین پدیده است. آمار کودکان بازمانده از تحصیل نشانه این گسترش است. زیرا کودکان زیر ۱۸ سال که به مدرسه نمی‌روند، طبیعتاً در خانه نمی‌مانند و انبوه کودکان کار را در خیابان، کارگاه، مزارع و... تشکیل می‌دهند.

■ تبعات حضور کودکان در خیابان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این تبعات را که مسلماً دارای آثار منفی بسیاری است، می‌توان در سطوح زیر مورد بررسی قرار داد:

پیامدهای تأثیرگذار بر کودکان:

بر اساس ماده ۳ پیمان نامه حقوق کودک «در هر اقدامی برای کودکان باید بالاترین منافع و مصالح کودکان را در نظر گرفت» بنابراین حضور کودکان در خیابان برای کار، آن هم در زمان‌های طولانی که معمولاً به این صورت است، تبعات آسیب‌زای زیر را برای کودکان به همراه دارد:

- بازماندن کودکان از تحصیل و رفتن به مدرسه که از حقوق اساسی کودکان است. با توجه به نقش آموزش در رشد کودکان، محروم شدن آنان از این حق، لطمات زیادی بر آنان وارد می‌سازد و آنان را از دستیابی به توانمندی برای زندگی بهتر باز می‌دارد.
- آسیب رسیدن به سلامت جسمی کودکان به علت حضور طولانی در خیابان و محروم بودن از دسترسی به غذا، بهداشت، استراحت و محیط مناسب.
- اختلال در رشد عاطفی-اجتماعی کودکان، با توجه به برخوردار نبودن از ارتباط همراه با محبت و احترام با همسالان، بزرگسالان، بازی و اوقات فراغت، امنیت خاطر و احساس ارزشمندی.

این تبعات برای کودکانی که به کارهای زیانبار و پرخطر می‌پردازند، بیشتر و عمیق‌تر است.

تبعات کار کودکان در خیابان علاوه بر تأثیرگذاری بر کودکان، در سطح جامعه نیز اثرگذار است. کودکان سازندگان فردای جامعه‌اند به شرطی که در دوران کودکی از امکانات کافی برخوردار باشند تا افرادی توانمند و مؤثر بارآیند. در غیراینصورت نه تنها در ساختن جامعه نقشی نخواهند داشت، بلکه به علت مشکلاتی که دارند، می‌توانند برای جامعه نیز مشکل‌آفرین باشند.

تنها بخش اندکی از درآمدی که این کودکان با کار خود تولید می‌کنند به آنان تعلق می‌گیرد و سهم بیشتر آن نصیب باندها و افرادی می‌شود که این کودکان را استثمار می‌کنند در نتیجه کار این کودکان نه تنها به زمان رفاه کودک و خانواده آنان، بلکه به رونق اقتصاد توسعه‌مدار که در خدمت ارتقای سطح زندگی مردم جامعه باید حرکت کند، منجر نمی‌شود و برعکس سوءاستفاده از کودکان و استثمار را رواج می‌دهد.

■ به عنوان پرسش آخر بفرمایید سازمان‌های غیردولتی در حوزه کودکان کار تا چه حد تأثیرگذار هستند؟

سازمان‌های غیردولتی در ایران با وضعیت دشواری روبرو هستند. این سازمان‌ها نه تنها از امکانات مالی، رفاهی، علمی، آموزشی، ارتباطی و... محروم‌اند؛ بلکه با انواع فشارها و محدودیت‌ها از بدو تشکیل تا ادامه کار روبرو هستند و اگر پایداری و علاقمندی آنان به کودکان نبود باید اکثر آنها فعالیت خود را متوقف می‌کردند. جدا از این مشکلات که برای تأثیرگذاری این سازمان‌ها بر کودکان کار در خیابان وجود دارد، از آنجا که علت اصلی پرداختن کودکان به کار، در هر محیط که باشد، عوامل اقتصادی است، نقش مؤثر و عمده در کاهش این پدیده به عهده دولت است زیرا کاهش فقر مسأله‌ای نیست که در حد توان و اختیار سازمان‌های غیردولتی باشد.

نقش مهم سازمان‌های غیردولتی توانمندسازی کودکان کار در خیابان است که سه محور اصلی را شامل می‌شود:

- آموزش کودکان در زمینه‌های موردنیاز
- حمایت از این کودکان در حوزه‌های مختلف
- مشارکت کودکان در روند توانمندسازی آنان

از آنجا که اکثر این کودکان دارای خانواده هستند، کار با خانواده در حوزه‌های بالا نیز از جمله فعالیت‌های این سازمان‌هاست. سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه کار کودکان، با وجود مشکلات متعددی که دارند در انجام این وظایف تا حد قابل توجهی موفق بوده‌اند. امید است مسئولان با کاهش موانع و مشکلات این سازمان‌ها آنها را در انجام وظایفشان یاری دهند.